

مسجدمحوری در تربیت و تبیین مبانی آن *

- سید عنایت‌الله کاظمی **
- سید نقی موسوی ***
- حسن شکوری ****

چکیده

تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی با مسجد، پیوند وثیقی دارد و در مساجد، به‌عنوان اولین مراکز آموزشی در جهان اسلام، علاوه بر قرآن، دیگر شاخه‌های علمی نیز تدریس می‌شد. مساجد در طول قرن‌ها، کارکرد تعلیمی و تربیتی خود را با فراز و فرودهایی همچنان حفظ کرده‌اند. امروزه نیز ایده مدارس مسجدمحور در تلاش است تا مسجدمحوری را احیا و همان نقش را ایفا نماید. با این مقدمه، سؤال اصلی نوشتار حاضر این است که آیا به لحاظ دینی، مسجدمحوری از مبانی استواری برخوردار است؟ آیا مساجد موجود، ظرفیت لازم برای تبدیل شدن به مدرسه رسمی را دارند؟ آیا با وجود تربیت رسمی و مدارس دولتی، حضور مسجد - مدرسه‌ها در آموزش و پرورش ضرورتی دارد؟ نوشتار پیش رو در پی آن است که با روش کیفی و توصیفی - استنباطی، پاسخی برای این سؤالات بیابد. در بیان مهم‌ترین نتایج تحقیق پیش رو باید گفت اولاً: از دیدگاه دین استفاده از فضای مسجد برای تعلیم و تعلم قرآن و مفاد دینی، جایز بلکه مستحب است؛ ثانیاً: می‌توان با رعایت شرایطی، سایر مفاد علمی

* تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۱۲/۶؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳.

** گروه فقه تربیتی، جامعه المصطفی العالمیه، افغانستان (نویسنده مسئول): (enayat255@chmail.ir).

*** گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، قم، ایران: (snmosavi57@gmail.com).

**** استاد فقه و اصول حوزه علمیه قم، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران: (mhshakoori@gmail.com).

را در مساجد آموزش داد؛ ثالثاً: مدرسه مسجد محور پدیده نوپدایی است که اثبات کارایی آن نیاز به تجربه‌ورزی، ثبت تجارب، مطالعات میدانی طولی و سنجش آمار و نتایج دارد. بر این اساس، در حال حاضر به علت فقدان زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری لازم؛ نبود سازمان‌دهی، اهداف و راهبرد واحد و مشخص، کمبود نیروی انسانی ماهر و متخصص، امکان انتقال مفاد آموزشی و پرورشی از مدارس رسمی به مساجد در سطح کلان و ملی وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: تفاوت‌های سنی، مسجد محوری، سند تحول، تربیت جامع، مهارت شغلی، ناکارآمدی تربیتی.

بیان مسئله

مسجد، محور فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و یکی از پایه‌های بنیادین حکومت و تمدن اسلامی، همواره نقش اثرگذاری در طول تاریخ داشته و مسجد محوری با تعلیم و تربیت نیز عجین بوده و ارتباط تنگاتنگی داشته است به گونه‌ای که تا قرن‌ها، مسجد، مرکز آموزشی مهم در نظام تعلیم و تعلم اسلامی و یکی از ارکان بوده و هست. تا قبل از تأسیس مکتب‌خانه‌ها و مدارس رسمی، عمده فرایند آموزش و تربیت متربیان در مساجد صورت می‌پذیرفت به گونه‌ای که نقش و کارکرد تعلیم و تربیتی مسجد، همواره جزء لاینفک ماهیت و هویت آن به شمار می‌رود حتی در زمان معاصر و با وجود مراکز آموزشی رسمی و غیررسمی، مساجد در تعلیم و تعلم قرآن و آموزه‌های دینی و تربیتی همچنان از اولویت برخوردارند. آنچه در این نوشتار و در گام نخست، پی گرفته می‌شود، تبیین مسجد محوری در تربیت و استکشاف مبانی دینی آن از متون قرآنی و روایی است تا مشروعیت و جواز تعلیم و تربیت در مسجد اثبات شود. گام بعدی تحلیل و ارزیابی مدارس مسجد محور است که به عنوان پدیده نوظهور و در حال تجربه پا به عرصه نظام آموزش و پرورش گذاشته است.

روش تحقیق

از آنجا که نوشتار حاضر به دنبال کشف از ماهیت و چیستی مسجدمحوری و تحلیل فقهی و تربیتی آن است، روش تحقیق نیز از نوع توصیفی و کیفی است. به واقع، محقق درصدد پاسخ دادن به تعدادی سؤال پژوهشی است و چون روش کیفی، مناسبترین ابزار را جهت پاسخدهی به سؤالات به دست می‌دهد، از آن استفاده شده است. تلاش پژوهشگر بر آن است تا از طریق مطالعه اسناد مکتوب، به داده‌هایی جهت پاسخگویی به سؤالات خود دست یابد؛ ازاین‌رو روش جمع‌آوری اطلاعات، روش تحلیل محتوا است.

تبیین مسجدمحوری در تربیت

ارتباط مسجد با مدرسه به‌عنوان راهبرد تربیتی مورد توجه دانشوران تربیتی بوده است. از نگاه فقه تربیتی، تربیت به اعتبار عامل تربیتی، تقسیمات گوناگونی پیدا می‌کند مانند تربیت خانوادگی که عامل تربیت، والدین هستند یا تربیت سازمانی که عامل تربیت، مؤسسه‌ها و سازمان‌ها هستند. در مسجدمحوری یا تربیت مسجدمحور نیز به نظر می‌رسد عامل تربیت، مسجد باشد؛ اما این برداشت صحیح نیست؛ زیرا مسجد تنها مکان و ظرف تربیت است و عاملیتی در تربیت ندارد مگر اینکه از باب مسامحه عاملین تربیت مسجدمحور - که عمدتاً افراد متدین و دغدغه‌مند هستند - داخل در مفهوم آن لحاظ شود؛ بنابراین تربیت مسجدمحور یعنی تربیتی که از سوی عوامل مؤمن و انقلابی در محیط مسجد انجام می‌گیرد. طبق این تعریف، آیا تربیت مسجدمحور همان تربیت دینی یا تربیت حوزوی نیست؟ به اعتقاد متولیان، مسجدمحوری در تربیت تلاش دارد در کنار آموزش مفاد درسی مطابق آنچه در مدارس رسمی تدریس می‌شود، مهارت‌های زندگی فردی و اجتماعی را به‌صورت عینی و ملموس به متربیان به منظور تحقق تربیت جامع، تعلیم دهند. با توجه به این امر، مسجدمحوری در تربیت غیر از تربیت دینی بوده و نسبت آن عموم و خصوص مطلق است و مسجدمحوری اعم از آن است. با توجه به آنچه گفته شد، مسجدمحوری به لحاظ مفهومی نیاز به تبیین دارد؛

به اجمال باید گفت مسجد محوری در تربیت دست کم دو خوانش کلی دارد:

۱. مسجد در مدرسه؛ اصولاً به دلیل پیوستگی دین و دانش همواره میان مسجد و مدرسه پیوند ناگسستنی برقرار بوده است از این رو مسجد محوری به یک معنا حضور و تأسیس مسجد در مدرسه است. تا سده‌های اخیر مدارس بزرگ پیوند خود با مسجد را حفظ نموده و معمولاً این مدارس دارای مسجدی در فضای آموزشی بودند به گونه‌ای که مسجد از عناصر مهم هر مدرسه محسوب می‌شد. (سلطان‌زاده ۱۳۶۴: ۴۳۸). این معنا از مسجد محوری غالباً به لحاظ تاریخی و معماری اسلامی مورد توجه دانشوران قرار گرفته است و کمتر به ابعاد تعلیم و تربیتی آن توجه شده است. از این نوع مدارس می‌توان به مدارس سردار (۱۲۳۱ ق) و صالحیه (۱۲۴۸ ق) قزوین اشاره کرد. (سهیلی، ۱۳۹۵: ۴۸۱-۴۸۳) گنبدخانه‌های ایلخانی از دیگر مدارسی هستند که مسجد را در خود جای داده و دانش‌پژوهان اعمال عبادی خود را در آن انجام می‌دادند. (ویلبر، ۱۳۷۴: ۵۳۷) مساجد در این مدارس نوعاً به شکل شبستان و یا گنبدخانه مشخص می‌شدند و امروزه به شکل یک اتاق یا سالن که به نمازخانه مدرسه معروف است.
۲. مدرسه در مسجد؛ مسجد محوری به این معنا ناظر به کارکرد آموزشی و پرورشی مسجد است. از عصر نبوی تاکنون، مساجد دست‌کم در حوزه تعلیم و تعلم قرآن، آموزه‌ها و احکام دینی نقش مدرسه را ایفا نموده‌اند. تا قبل از تأسیس مکتب‌خانه‌ها، مدارس و نظامیه‌ها، مساجد بسان مدرسه، عهده‌دار تعلیم و تعلم کودکان بود و غیر از قرآن و حدیث، حلقات درس در بسیاری از مفاد علمی در آن تدریس می‌شد. بنا به برخی گزارشات تاریخی در برخی از شهرها، با وجود مدارس بزرگ اما همچنان تعلیم و تعلم در مساجد پی گرفته می‌شد. (الطنجی، ۱۴۰۷: ۲۲۳/۱) یا بر اساس روایات، حتی در دوره ظهور، مساجد همچنان در تعلیم و تعلم قرآن نقش ایفا می‌کنند. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۱۷). این روند تا عصر حاضر و در بسیاری از کشورهای اسلامی همچنان ادامه دارد؛ هر چند که مفاد آموزشی و تربیتی آن به تعلیم و تعلم قرآن و تربیت دینی محدود شده است. آنچه در این نوشتار پی گرفته می‌شود خوانش و تصویر دوم از مسجد محوری است.

پیشینه

سابقه مسجد محوری در عرصه تعلیم و تربیت به صدر اسلام بازمی‌گردد. در زمانی که هنوز مدرسه مدرن به شکل امروزی وجود نداشت، دانش‌اندوزی در جهان اسلام، در مساجد صورت می‌گرفت. بنا به گزارش‌های تاریخی، با تأسیس مسجد قبا توسط پیامبر ﷺ (ابن هشام، [بی‌تا]، ۱۱/۲) حلقه‌های درس در آن برگزار می‌شد. (غزالی، ۱۴۲۶: ۵۲/۱) هرچند تدریس و آموزش، حتی در زمان پیامبر ﷺ منحصر به این دو مسجد نبود و مساجد دیگری نیز فعالیت آموزشی داشتند. (غنیمه، ۱۳۷۲: ۵۸-۶۲) با افزایش دامنه فتوحات و گسترش مرزهای اسلام، اصحاب پیامبر ﷺ و تابعان، فعالیت‌های تعلیمی و تبلیغی خود را در مساجد نو بنیاد آغاز کردند. این مساجد ابتدا در شهرهای کوفه، بصره، حیره و مدائن بنا گردید که علاوه بر اقامه نماز، قرآن و مسائل دین آموزش داده می‌شد. (بلاذری، ۱۳۱۹: ۷۱)

فاصله زمانی آغاز سده دوم تا پایان سده سوم هجری را می‌توان از درخشان‌ترین مسجد محوری در تعلیم و تربیت دانست؛ زیرا دستاوردهای مسلمانان در مسائل گوناگون علمی و پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی، عمرانی در این دوره به وجود آمد. مکان تعلیم و تربیت در همه مذاهب اسلامی در ابتدا، مساجد بود (ابن عربی، [بی‌تا]، ۹۰۷/۲) و تقریباً همه رشته‌های علمی در آن تدریس می‌شد. برای نمونه در جامع منصور از فقه و حدیث گرفته تا ادبیات و شعر تدریس می‌شد. (شلبی، ۱۳۸۷: ۱۱۸) جامع عمرو بن عاص، کانون آموزش و دادرسی بود و تا بیش از چهل حلقه درس در آن تشکیل می‌شد (مقریزی، ۱۴۱۸: ۲۴۶/۲) تفسیر و ستاره‌شناسی در مسجد ابن طولون (سیوطی، ۱۹۶۷: ۱۳۷/۲) آموزش داده می‌شد.

بنا به دلایلی همچون افزایش روزافزون متربیان و حلقات درسی، لزوم بحث و جدل علمی، خلل در کارکرد عبادی مسجد، کشمکش‌های مذهبی، (شلبی، ۱۳۸۷: ۱۲۶) انتقال علوم از مسجد به دارالخلافت توسط حکام و خلفا، (الهامی، ۱۳۸۷: ۶) ورود علوم عقلی به متون درسی و ناسازگاری آن با محیط مسجد، (سلطان‌زاده، ۱۳۶۴: ۹۲) نهضت ترجمه و تأسیس کتابخانه‌ها (ابراهیم حسن، ۱۳۹۵: ۲/۲۹۸) « به مرور تعلیم و تربیت از مسجد به مدرسه منتقل

شد.

سیر تاریخ تعلیم و تربیت در ایران پس از اسلام نیز از مسجد شروع شده با مکتب‌خانه‌ها ادامه پیدا کرده و در نهایت به مدرسه مدرن ختم می‌شود. بنا به آنچه در منابع تاریخی آمده است، اولین مسجد در ایران در قرن اول هجری، مسجد آدینه سیستان (زرنج زاهدان) بود که در اواخر همان قرن، مسجد جامع بخارا پای گرفت و حلقه‌های درس در آن تشکیل شد. در قرن های بعد، نمونه این مساجد در نیشابور، همدان، کرمان، یزد، قزوین، شیراز، اصفهان تأسیس شد و مورد استفاده عالمان و متعلمان قرار گرفت. (حجتی، ۱۳۵۷: ۲۸) به گونه‌ای که در نیشابور از مساجد بزرگ مانند مسجد «جامع منیعی» و مسجد «مطریزی» و مسجد قدیم برای آموزش و پرورش استفاده می‌شد. (حموی، ۱۴۱۴: ۴۱۵) در یزد، مسجدی وجود داشت که به «جامع قدیم» یا مسجد «قدیم جمعه» مشهور شده و تا حدود قرن نهم مورد استفاده اهل علم بود. (کاتب یزدی، ۱۳۸۳: ۶۷) باین حال می‌توان گفت تا قبل از تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۳۰ شمسی، تعلیم و تربیت در مکتب‌خانه‌ها انجام می‌گرفت که دامنه تعلیمات آن علاوه بر قرآن و شرعیات، آداب اجتماعی، اخلاق، آموزش خط فارسی، شعر و ریاضیات را شامل می‌شد. (شهری، ۱۳۶۹: ۵۴/۴) آموزش مکتب‌خانه‌ای گرچه طی چند قرن در نظام تعلیم و تربیت کشور حکم‌فرما بود اما با انتقاداتی چون «عدم رویه مشخص و یکسان برای اداره مکتب‌خانه‌ها، شیوه‌های آموزش ناکارآمد، محتوای آموزشی سطح پایین، هدر رفت استعداد و قریحه متربیان» (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۱۸۰/۱) مواجه گردید و پس از تحولات سیاسی و اجتماعی در دوره قاجار و با تأسیس مدارس نوین (اسکول)، به مرور از نظام آموزشی کشور برچیده شد. مدارس جدید در دوره قاجار به سه دسته تقسیم می‌شود: «مدارس اقلیت‌های دینی به منظور تبلیغ مذهبی اما با اهداف کلان سیاسی و فرهنگی؛ (عین السلطنه، ۱۳۷۷: ۴/۲۸۷۰) مدارس دولتی با هدف تأمین نیازهای فنی و نظامی کشور؛ (محبوبی، ۱۳۷۸: ۱/۲۵۶) مدارس خصوصی با هدف ترویج آموزش عمومی و تغییر نظام آموزشی (رشدیه، ۱۳۷۰: ۲۱-۳۹)». این مدارس، به حسب تنوع رشته‌ها و دوره‌های آموزشی از یکسو و تحت پوشش قرار دادن تعداد بیشتری از متربیان از سویی دیگر، نیاز به

فضای آموزشی بیشتری پیدا کردند که مساجد ظرفیت تأمین آنها را نداشتند. دین‌زدایی از ارکان جامعه، از جمله تعلیم و تربیت، سیاست اصلی حکومت پهلوی بود. این امر متدینین را بر آن داشت که با در پیش گرفتن سیاست مبارزه منفی، از فرستادن فرزندان به مدارس دولتی جلوگیری کنند اما جهت حفظ و توسعه ارزش‌ها اسلامی و تربیت محصلین مسلمان آشنا به معارف دین و مسلط به علوم جدید، مدارس اسلامی (جعفری، علوی، کمال، دین و دانش) را تأسیس نمودند. این مدارس هرچند به لحاظ مفاد و محتوای آموزشی متفاوت بود اما به لحاظ مکانی و فیزیکی به‌سان مدارس دولتی فعلی تأسیس و اداره می‌شدند.

مبانی اسلامی مسجدمحوری

رسالت پیامبر ﷺ ماهیتی تعلیمی و تربیتی دارد و مفاد نخستین آیات وحیانی، خواندن و نوشتن بود. پیامبر ﷺ دانش‌اندوزی را برای هر مسلمان، وظیفه‌ای دینی قرار داد. (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۰/۱) در پرتو این بینش، مساجد به‌عنوان نخستین کانون‌های تعلیم و تعلم مورد استفاده قرار گرفتند. در اسلام، «جامعه» یعنی دانشگاه که از مسجد جامع نشئت گرفته چنانکه دانشگاه‌ها و شبستان تالار جامع الازهر پدید آمده است. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷: ۱۶) تأسیس کتابخانه‌ها و شبستان تالار اجتماعات در مساجد، این حقیقت را آشکار می‌سازد که مساجد در اسلام، منحصر برای نماز نیست؛ بلکه یقیناً یکی از مراکز مهم فرهنگی اسلام نیز است. (اسمیت، ۱۳۵۶: ۱۰۲) برای رسیدن به حکم فقهی مسجدمحوری در تربیت و تشکیل کلاس‌های درس در مسجد لازم است، در متون دینی، بر استحباب و جواز تعلیم و تربیت در مسجد ادله فراوانی وارد شده است که این ادله در چند دسته، تقسیم‌بندی و بررسی می‌شوند:

الف) روایات تعلیم و تعلم در مسجد

در متون و منابع نقلی به نقش و جایگاه مسجد در تعلیم و تربیت اشاره شده است که در ادامه بررسی می‌شود:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: ... وَ مَا جَلَسَ قَوْمٌ فِي مَسْجِدٍ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَ يَتَذَكَّرُونَ

بَيْنَهُمْ إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَ حَقَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ. (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ۱/۳۷۴)

روایت به جهت سند، مرسله و ضعیف است. به جهت دلالت باید گفت تدارس قرآن به معنای فراگیری و تکرار قرائت قرآن به منظور از برکردن آن است؛ زیرا یکی از معانی ماده «دَرَسَ» تعلم و حفظ کردن است. (ابن اثیر، [ابی تا]، ۱۱۳/۲) از این رو تدارس به معنای مشارکت در خواندن، مباحثه برای حفظ کردن و تعهد بر عدم نسیان است. تدارس را می‌توان درجه‌ای از تعلیم و تعلم دانست که طی آن بر اثر تکرار و مباحثه، خوانش قرآن در متربی و تجوید او تقویت می‌شود و زمینه حفظ قرآن را فراهم می‌آورد. از بیان ثواب مذکور در روایت، استحباب تعلیم و تعلم قرآن در مسجد قابل برداشت است اما بعید نیست با الغای خصوصیت شامل دیگر معارف و آموزه‌های دینی مانند حدیث نیز بشود. همچنین روایت به نقش محیط در آموزش و تناسب فضای آموزشی با محتوای آموزشی اشاره دارد؛ بنابراین روایت مطلوبیت ممارست در تعلیم و تعلم قرآن در مسجد قابل استنباط است. ممکن است چنین مناقشه شود که روایت به اصل فراگیری قرآن نظر دارد و ثواب مذکور برای خصوص تعلم قرآن است در این صورت از روایت، انحصار مکانی تعلیم و تعلم قرآن در مسجد استفاده نمی‌شود بلکه می‌توان قرآن را در هر مکانی فراگرفت؛ که در پاسخ باید گفت هر چند که در صدر اسلام غالباً تعلیم و تعلم قرآن در مسجد صورت می‌گرفت و روایت به کارکرد غالبی مسجد اشاره دارد؛ اما بنا به اصالة الموضوعية، تعلیم قرآن در مسجد موضوعیت دارد و ثواب مذکور در روایت، بر ترکیب «تعلم در مسجد» مترتب می‌گردد. این حکم فرازمانی است؛ از این رو شایسته است در نظام آموزشی نوین نیز به عنوان یک الگوی تربیتی به آن توجه شود.

عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُطَّلِبِ الشَّيْبَانِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا رَجَاءُ بْنُ يَحْيَى الْعَبْرَتَائِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَيْمُونٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمُّ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ وَهْبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهِنَاءِ [الْهِنَائِيُّ] قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو حَرْبٍ بْنُ أَبِي الْأَسْوَدِ الدُّؤَلِيُّ عَنْ أَبِي الْأَسْوَدِ قَالَ قَدِمْتُ الرَّبَذَةَ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي ذَرٍّ فَحَدَّثَنِي أَبُو ذَرٍّ قَالَ دَخَلْتُ ذَاتَ يَوْمٍ عَلَى رَسُولِ

اللَّهُ ﷻ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي بِوَصِيَّةٍ يَنْفَعُنِي اللَّهُ بِهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ...
يَا أَبَا ذَرٍّ كُلِّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَغْوٌ إِلَّا ثَلَاثَةٌ قِرَاءَةٌ مُصَلِّاً أَوْ ذِكْرُ اللَّهِ أَوْ سَائِلٌ عَنِ
عِلْمٍ. (نوری، ۱۴۱۸: ۳/۳۷۱)

در سند روایت وهب بن عبدالله هنائی و ابو حرب توثیقی ندارند و عبدالله بن عبدالرحمن اصم تضعیف شده است (نجاشی، بی تا: ۲۱۷). بر اساس روایت، یکی از کارکردهای مسجد، طرح مباحث علمی و تعلیم و آموزش این مباحث است. ضمن اینکه روایت بر مطلوبیت تشکیل گردهمایی و کلاس درس در مسجد دلالت دارد. پرسش از علم با تعلیم و فراگیری علم ارتباط دارد از این رو روایت، فراتر از حوزه تعلیم و تعلم قرآن، سایر علوم را نیز در برمی گیرد. با توجه به قرینه «لَغْوٌ» نشستن و حضور در مسجد بدون پرداختن به یکی از سه عمل مذکور در روایت، مکروه و مرجوح است؛ در نقطه مقابل، قرائت قرآن و ذکر خدا گفتن و دنبال کسب دانش بودن، رجحان و استحباب دارد.

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ، عَنِ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنِ
إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ، عَنِ سَعْدِ الْإِسْكَافِ، عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ، عَنِ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ كَانَ يَقُولُ: مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ أَخَا
مُسْتَفَاداً فِي اللَّهِ أَوْ عِلْماً مُسْتَظَرِّفاً أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنِ رَدَى
أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى هُدًى أَوْ يَشْرُكُ ذَنْباً خَشِيئَةً أَوْ حَيَاءً. (صدوق، ۱۳۶۲: ۱/۴۱۰)

در سند روایت، محمد بن حسن صفار، (همان: ۳۵۴) یعقوب بن یزید الانباری (همان: ۴۵۰؛
شیخ طوسی، ۱۴۲۰: ۵۰۸)، ابراهیم بن عبدالحمید (شیخ طوسی، رجال الطوسی، بی تا: ۳۳۲؛ همو،
۱۴۲۰: ۱۸؛ کشی، بی تا: ۴۴۷)، سعد اسکاف^۱ و اصبغ بن نباته همگی توثیق دارند اما ابراهیم بن
عبدالحمید واقفی مذهب است؛ از این رو روایت، موثق است؛ اما در دلالت روایت باید گفت
فراگیری علم و دانش نو در مسجد به کارکرد تعلیم و تربیت مسجد اشاره دارد و اعم از قرآن و
حدیث را شامل می شود. همچنین آنچه موجب هدایت شخص شده یا مانع از ارتکاب گناه می
شود نیز با فضای تعلیم و تربیت ارتباط دارد. ظهور اولیه روایت، گزارش از واقع است و اعلام
می دارد کسی که به مسجد رفت و آمد داشته باشد، از یکی از فواید هشت گانه بهره خواهد برد.

ممکن است گفته شود، روایت در مقام انشاء است و به رفتن به مساجد برای کسب یکی از فواید مذکور، امر می‌کند. آثار و فواید بیان شده در روایت، حکمت رفتن به مسجد بوده که در این صورت به رجحان و استحباب نفس فواید هشت‌گانه، حکم می‌شود؛ اما استحباب یادگیری علم فقط «در مسجد»، از روایت به دست نمی‌آید.

جمع‌بندی

بر اساس دلالت روایات، استفاده از فضای مسجد برای تعلیم و تعلم و تشکیل جلسات درس و مباحث علمی در آن، به حکم اولی، جایز و از استحباب برخوردار است.

ب) ادله تعظیم و تکریم مسجد

برخی از روایات به تعظیم و تکریم مسجد دلالت دارند مانند:

عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: مَنْ وَقَرَ مَسْجِدًا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ يَلْقَاهُ صَاحِبًا مُسْتَبْشِرًا وَأَعْطَاهُ كِتَابَهُ

پیمینه. (برقی، ۱۳۷۱: ۵۴/۱)

توقیر مسجد به معنای تعظیم و نکوداشت مسجد است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۰۶/۵) که خود در بسیاری از اقدامات تربیتی و اجتماعی تبلور پیدا می‌کند. تعظیم عنوان قصدی است یعنی انطباق تعظیم در خارج بر فعل و عملی خاص، منوط به قصدکردن تعظیم است. به عبارتی برای این که یک فعل عنوان تعظیم پیدا کند، باید با قصد تعظیم انجام شود.

از این رو شاید بتوان گفت تعظیم و بزرگداشت ظاهری مسجد، سطح رو بنایی توقیر مسجد است که با رعایت بهداشت، عمران و آبادی مسجد و تجهیز آن به امکانات مورد نیاز جهت استفاده مطلوب محقق می‌شود. در سطح بالاتر، اثربخشی مسجد در سطح اجتماع از دیگر مصادیق توقیر مسجد است به گونه‌ای که به عنوان یک مرکز دینی، اجتماعی و فرهنگی خدمات شایسته به مردم ارائه دهد و مأمنی برای عموم مردم گردد. این مهم در سایه فعال بودن مسجد در برگزاری مناسک عبادی، تعاملات اجتماعی با اقشار مردم، تأمین نیازهای مادی و معنوی آنان و جذب، هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان امکان‌پذیر است. پاداش توقیر مسجد،

سعادت اخروی است از این رو از روایت، استحباب توقیر مسجد به عنوان اولی قابل برداشت است. استحباب مزبور هم سطح زیرین توقیر و تعظیم مسجد (رعایت بهداشت، عمران و تجهیز مسجد) و هم سطح برین آن (فعالیت‌های علمی و اجتماعی) را شامل می‌شود از این رو رجحان و استحباب توقیر مسجد به این دو سطح نیز قابل سرایت است.

ج) روایات اتیان به مساجد

طایفه‌ای از روایات به رفتن به سوی مساجد ترغیب می‌کنند مانند:

عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: عَلَيْكُمْ بِإِيْتَانِ الْمَسَاجِدِ فَإِنَّهَا بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَمَنْ آتَاهَا مُتَطَهَّرًا طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ». (شیخ صدوق، ۱۳۷۶: ۳۵۸)

روی آوردن به سوی مساجد به معنای رفتن به سوی اعمال و مناسک عبادی جهت تقویت

بعد معنوی و روحانی است. یا در روایت

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ عَمٌّ مِنْ عُمُومِ الدُّنْيَا - أَنْ يَتَوَضَّأَ ثُمَّ يَدْخُلَ الْمَسْجِدَ - فَيَرْكَعُ رَكَعَتَيْنِ يَدْعُو اللَّهُ فِيهِمَا - أَمَا مَا سَمِعْتَ اللَّهُ يَقُولُ وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ». (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۳۸/۸)

توصیه شده در هنگام رویارویی با مشکلات و اندوه‌های دنیوی، به نماز و مسجد پناه ببرید. توجه به نقش و اهمیت عبادت در پالایش روحی و اثر ماندگار آن در تربیت و رشد انسان و زمینه‌سازی بسیاری از توفیقات در زندگی مادی و معنوی و ایجاد امنیت خاطر (برقی، ۱۳۷۱، ۱۶/۱) بی‌بدیل و بی‌نظیر است.

مفاد دسته دیگر از روایات، رجحان و استحباب بودن در مسجد و حضور در آن مکان

است مانند:

يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِيكَ مَا دُمْتَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنَفَّسَتْ فِيهِ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ وَ تُصَلِّيَ عَلَيْكَ الْمَلَائِكَةُ وَ يَكْتُبُ لَكَ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنَفَّسَتْ فِيهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ يَمْحَى عَنْكَ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ». (طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۶۷)

سند روایت قبلاً (دومین روایت از روایات تعلیم و تعلم در مسجد) بررسی و بیان شد که

در سند روایت وهب بن عبدالله هنائی و ابوحرب توثیقی ندارند و عبدالله بن عبدالرحمن اصم تضعیف شده است (نجاشی، بی تا: ۲۱۷).

مطابق روایت برای هر تنفس و دم و بازدمی در مسجد، پاداش ثبت ده حسنه و محو ده سیئه در نظر گرفته شده است. حضور و بودن در مسجد، مورد رضایت باری تعالی بوده و فی نفسه، مستحب است. وقتی نشستن و بودن در مسجد مطلوبیت شرعی دارد، انجام کار خیر که مقدمه بودن بیشتر در مسجد است، استحباب آن را مؤکد می کند. حال تعلیم مفاد هدایتی و تربیتی، اعم از قرآن و غیر آن در مسجد رجحان و استحباب پیدا کرده زیرا موجب توسعه بودن در مسجد می شود.

د) ادله عمران مسجد

با توجه به نقش و جایگاه مسجد در اسلام، عمران و آبادانی آن در ادله نقلی مورد تأکید شده است. در آیه «أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ» (توبه: ۱۹) جواز تعمیر مساجد و داشتن حق آن، به داشتن ایمان، به خدا و به روز جزا مشروط شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰۱/۹) در برخی از تفاسیر مراد از عمران مسجد، علاوه بر ساخت و ساز و بنای مسجد، به تشکیل جلسه درس و تدریس و تعلیم در مسجد نیز آمده است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۵۴/۲) که این معنا در روایات نیز تأکید قرار دارد. (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۰۴/۵) برخی از مفسران نیز معتقدند مراد از تعمیر مسجد، عمران ظاهری صرف نیست بلکه بر عمران معنوی نیز دلالت دارد که همان آباد نگاه داشتن مساجد و حضور در آن ها برای ادای نماز و کارهای سودمند (میبدی، ۱۳۷۱:

۱۰۳/۴) مانند تدریس علم (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۷۵/۳) است. همچنین در روایت

يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ أَجَابَ دَاعِيَ اللَّهِ وَ أَحْسَنَ عِمَارَةَ مَسَاجِدِ اللَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ مِنَ اللَّهِ الْجَنَّةَ.

(طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۶۷)

استحباب عمران مسجد قابل برداشت است. از آنجا که یکی از مصادیق عمران معنوی مسجد، تعلیم و تعلم در آن است، از روایت، رجحان و استحباب تعلیم و تربیت در مسجد

استنباط می‌شود.

جمع‌بندی

با توجه به آنچه گذشت، متولیان تربیت مسجد محور با تمسک به حکم جواز و استحباب بودن و استقرار در مسجد و اقدامات تربیت و هدایتی در آن، می‌توانند به برگزاری جلسات و کلاس‌های درسی در مساجد اقدام کنند. گرچه مفاد برخی ادله در خصوص تعلیم و تعلم قرآن بود اما در برخی از روایات از مطلق فراگیری علم در مسجد سخن به میان آمده بود؛ از این رو تعلیم و تعلم مفاد غیر قرآنی و محتواهای علمی در مساجد جایز است. حتی اگر مفاد روایات، خصوص تعلیم و تعلم قرآن باشد، با تنقیح مناط می‌توان از این روایات، رجحان تعلیم و تعلم دیگر علوم و معارفی که در راستای هدایت و تربیت متریان است را استنباط نمود. ضمن اینکه با توجه به قرائن لفظی مانند «عِلْمًا مُسْتَضْرَفًا؛ سَائِلٌ عَنِ عِلْمٍ» در روایات، غیر از قرآن، تعلیم و تعلم دیگر علوم و معارف مستحسن و مطلوب است.

مسجد محوری و شبهات پیرامون آن

در ادامه، فقه تربیتی به سؤالات و شبهاتی که پیرامون مسجد محوری مطرح می‌شود، پاسخ دهد:

۱. حضور متریان در مسجد با توجه به تفاوت‌های سنی، جنسیتی و فرهنگی آنان، موجب شکستن حرمت مسجد می‌شود؛ از این رو تشکیل کلاس‌های درس در داخل مسجد جایز نیست. در توضیح بیشتر باید گفت شریعت به حفظ حرمت مسجد، تأکید ویژه‌ای دارد به گونه‌ای که مطابق آیه «لَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يَقَاتِلُوكُمْ فِيهِ» (بقره: ۱۹۱) جنگ ابتدایی در مسجد که موجب هتک حرمت آن می‌شود، ممنوع است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۱/۲) باین حال هرگاه مسجد محلی برای توطئه علیه دین و جامعه اسلامی شود، نه تنها حرمتی ندارد بلکه باید منهدم شود. (توبه: ۱۰۷) از آنجا که فعالیت‌های تعلیمی و تربیتی در راستای انتقال مفاد و ارزش‌های دینی موجب هدایت متریان می‌شود، آموزش آن موجب بی‌حرمتی به مسجد نبوده و منعی ندارد کما اینکه یکی از کارکردهای مسجد در اسلام تعلیم

و تربیت بوده است.

حفظ حرمت مسجد، مستلزم رفع هرگونه نزاع و درگیری میان متربیان در فضای مسجد، متنافی نبودن مفاد آموزشی با مبانی دینی، صیانت از ساختار، بنا و تجهیزات و رعایت آداب و شئون مسجد به عنوان فضای آموزشی از سوی متربیان و عوامل تربیتی مسجد است. واقعیت این است که تعلیم و تربیت متربیان در مسجد، بدون تفریح و بازی نیست از این رو متولیان تربیت مسجد محور باید مکانی برای آن در صحن مسجد یا محیطی نزدیک به مسجد در نظر بگیرند.

ممکن است مرجوحیت سر و صدا در مسجد به جهت ایذای نمازگزاران باشد که در این صورت اگر در مواقع نماز، تعلیم و تعلم پایان پذیرد، مرجوحیت مزبور نیز وجهی نخواهد داشت. به جهت حفظ حرمت مسجد است که از ورود کسی که سیر یا پیاز خورده به مسجد منع شده (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۷۵/۶) هرچند بعید نیست منع مزبور به دلیل عدم ایذای مؤمنین باشد. در مقابل به استعمال بوی خوش هنگام ورود به مسجد امر شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۸/۸۵) با توجه به آنچه گفته شد، احترام مسجد مستلزم رعایت بهداشت فردی متربیان و اطلاع از احکام مسجد و رعایت آداب آن است.

۲. متربیان به ویژه در پایه های اول، نسبت به طهارت و نجاست التفاتی ندارند و از این جهت تشکیل کلاس در مسجد امکان تنجیس آن را فراهم می کند. در توضیح بیشتر باید گفت در شرع نسبت به پاکیزگی و طهارت مسجد تأکید شده است: «و عَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (بقره: ۱۲۵) اطلاق تطهیر در

این آیه به حفظ پاکیزگی و بهداشت ظاهری و باطنی مسجد دلالت دارد. در روایات نبوی

«مَنْ كَتَسَ الْمَسْجِدَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَأَخْرَجَ مِنْهُ مِنَ الثَّرَابِ مَا يَدْرُ فِي

الْعَيْنِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ». (طوسی، ۱۴۰۷: ۳/۳۵۴)؛

مَنْ قَمَّ مَسْجِدًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عِتْقَ رَقَبَةٍ - وَ مَنْ أَخْرَجَ مِنْهُ مَا يَقْذِي عَيْنًا - كَتَبَ اللَّهُ

عَزَّوَجَلَّ لَهُ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵/۲۳۸)

استحباب نظافت و پاکیزگی مسجد به روشنی قابل برداشت است؛ زیرا بیان ثواب در

روایت، بر استحباب عمل دلالت دارد. البته نظافت مسجد منحصر به پنجشنبه و جمعه نیست بلکه ذکر این دو زمان شاید جهت شرافت زمانی و اشتداد ثواب باشد. با توجه به آنچه گفته شد چنانچه متولیان مسجد محوری، به نظافت و پاکیزگی مسجد اهتمام ورزند، تشکیل کلاس درس در مسجد بلامانع خواهد بود.

۳. مطابق منابع دینی مانند روایت

قال أبو عبد الله عليه السلام جَنَّبُوا مَسَاجِدَكُمْ الشَّرَاءَ وَالْبَيْعَ وَالْمَجَانِينَ وَالصَّبِيَّانَ وَالصَّبَالَهَ وَالْأَحْكَامَ وَالْحُدُودَ وَرَفَعَ الصَّوْتِ». (طوسی، ۱۴۰۷: ۲/۳۴۹) یا روایت «رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَنَّبُوا مَسَاجِدَكُمْ صَبِيَّانَكُمْ وَمَجَانِينَكُمْ - وَشِرَاءَكُمْ وَبَيْعَكُمْ». (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۵/۲۳۳)

نباید به کودکان اجازه ورود به مساجد داده شود؛ در این صورت مسجد محوری و تشکیل کلاس درس در مساجد با چالش و مانع شرعی مواجه خواهد بود. بدون تردید وقتی حضور کودکان و نوجوانان به مسجد ممنوع است، تعلیم و تربیت آنها نیز در مسجد ممنوع خواهد بود. در پاسخ به این مناقشه باید گفت این روایات، معارض دارند؛ چراکه در دیگر روایات آمده است پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به علت گریه کودکی، نماز جماعت را کوتاه و مختصر کردند؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۸/۶) از این رو پیداست ورود کودکان به مسجد، ممنوع نبوده و برخی از کودکان همراه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مسجد حضور داشتند (اربلی، ۱۳۸۱: ۵۲۰/۱) حتی در روایات از فاصله انداختن میان کودکان در صف نماز جماعت سخن به میان آمده است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۴۰۹) برای رفع تعارض مزبور باید گفت ادله ممنوعیت ناظر به کودکان غیر ممیزی است که موجب ایذای نمازگزاران شده یا نسبت به تنجیس مسجد، اطمینانی به آنها نیست (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۴/۱۱۳) به قرینه اینکه در روایات ممنوعیت، صبیان هم‌تراز با مجانین تلقی شده است نه مطلق کودکان؛ ضمن اینکه غالباً متریبانی که به سن مدرسه می‌رسند نسبت به طهارت شخصی از سوی خانواده‌ها آموزش داده می‌شوند و تذکر آن از سوی مربیان، موجب تأکید می‌شود؛ از این رو اطمینان از عدم تنجیس مسجد از سوی آنان وجود دارد و تعلیم و تربیت آنان در مسجد بدون اشکال است.

۴. برخی از ادله مانند

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام خَيْرُ مَسَاجِدِ نِسَائِكُمُ الْبُيُوتُ». (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۵۲/۳) قَالَ عليه السلام صَلَاةُ الْمَرْأَةِ وَحَدَا فِي بَيْتِهَا كَفَضْلِ صَلَاتِهَا فِي الْجَامِعِ خَمْسًا وَعِشْرِينَ دَرَجَةً. (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۳۳)

حتی نماز خواندن زنان در مسجد را مرجوح دانسته است؛ با این حال چگونه دختران که بخش زیادی از متریبان را تشکیل می‌دهند، می‌توانند برای تعلیم و تربیت به مساجد وارد شوند؟

در پاسخ به این مناقشه باید گفت دقت در مفاد روایات حاکی از آن است که اولاً: این دسته از روایات بر ممنوعیت حضور زنان در مساجد دلالتی ندارد بلکه به بیان ارشادی، خانه را برای اتیان واجبات عبادی بر مسجد ترجیح می‌دهد که فلسفه آن هم پرهیز از اختلاط با نامحرمان بوده است چنانکه آیات و روایات بدان اشاره دارند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» (احزاب: ۵۹) درباره شأن نزول این آیه آمده است که گروهی از منافقان، در تاریکی شب در کوچه‌ها مزاحم زنانی که جهت اقامه نماز به مسجد می‌رفتند، می‌شدند؛ پس از نزول آیه، زنان انصار با لباس سیاه و بلند و با حجاب کامل در نماز جماعت حاضر می‌شدند. (قمی، ۱۴۰۴: ۱۹۶/۲). مستفاد از آیه آن است که زنان از خانه‌های خود خارج می‌شدند؛ از این رو به رعایت پوشش مناسب امر شده‌اند و اگر خروج آن‌ها از خانه ممنوع بود، چنین توصیه و فرمانی لغو بود. ثانیاً: در مقابل، روایاتی وارد شده است که به زنان اجازه حضور در مسجد را می‌دهد. (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۶۷۷/۱۱) واقعیت نیز آن است که زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند و حضور آنها در سطح اجتماع به‌ویژه در امور فرهنگی و تعلیم و تربیت ضروری است. تأکید اسلام برای حجاب و رعایت آن از سوی زنان دقیقاً بعد از فرض حضور آنان در سطح اجتماع است تا از توان و استعداد آنان در حل مسائل اجتماع و ایفای مسئولیت‌های اجتماعی بهره‌برد. ثالثاً: عمومات و اطلاعات روایاتی که بیانگر ترغیب و تشویق به رفت و آمد به مساجد و

بهره‌مندی از فضائل مسجد است، فراجنسیتی است.

جمع‌بندی

با توجه به پاسخ‌ها، هیچ‌یک از مناقشات مطرح‌شده، با مسجدمحوری و تشکیل جلسات تعلیم و تربیت در مسجد منافاتی ندارند.

تحلیل و ارزیابی مدارس مسجدمحور

یکی از موضوعاتی که به‌ویژه مورد توجه صاحب‌نظران تربیتی قرار گرفته، پدیده «مسجد-مدرسه» یا «مدرسه مسجدمحور» است. به دلیل نوپیدا بودن این عنوان و نبود منابع تحقیقی جامع نمی‌توان تعریف روشنی از این نوع مدارس ارائه نمود با این حال از خلال آراء و نظار کارشناسانی که در این عرصه فعالیت دارند و از بیان ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی که بیان می‌کنند، شاید بتوان به تعریفی از این نوع مدارس دست یافت:

۱. نوعی مدرسه که مطابق قانون آموزش و پرورش^(۱) و بر پایه «آموزش متفرقه» فعالیت می‌کند. در آموزش متفرقه، مرتبی از پایه ششم به بعد می‌تواند در هر مکانی از جمله مسجد درس بخواند و با شرکت در امتحانات رسمی مدارس، مدرک رسمی آموزش و پرورش را دریافت کند.^(۲)

۲. مدرسی همراه با رویکرد و تعالیم دینی که از فضای فیزیکی مسجد و به‌کارگیری فعالان فرهنگی متعهد و دغدغه‌مند جهت تعلیم و تربیت متربیان بهره می‌برد تا هم نظام آموزش و پرورش را یاری دهند و هم دغدغه متدینین و مؤمنین را برطرف کنند.^(۳)

۳. مدرسی که ایده اصلی آن تبدیل دانش به مهارت در متربیان و تجربه‌اندوزی آنان است. در این مدارس متربیان علاوه بر آموزش کامل و تدریجی سرفصل‌های آموزش و پرورش، فنون و مهارت‌های اجتماعی، ورزشی، شغلی و نیز آموزه‌های اخلاقی و قرآنی را نیز فرامی‌گیرند.^(۴)

۴. مدارس مسجدمحور با اهداف تحولی، تمدنی و تربیتی پا به عرصه نظام تعلیم و تربیت

نهاده‌اند. این مدارس علی‌رغم مخالفت برخی جریان‌های سکولار و غرب‌زده و حتی نگرانی‌های غیرتخصصی و ناآگاهانه برخی متدینین، نه تنها روش‌های جدیدی از آموزش را دنبال می‌کند، بلکه تربیت را محور کار خود قرار داده و مسجد را به‌عنوان سنگری مهم و معنوی، بستری برای رشد و تربیت همه‌جانبه می‌داند. مدارس می‌دانند که با هدف تحقق اهداف سند تحول و با اذعان به ناتوانی نظام آموزش رسمی در تحقق این اهداف، تشکیل شده و تلاش دارد با شکوفاسازی استعدادها متنوع‌ترین، آنها را به صورت عملی با واقعیات و پدیده‌ها و مهارت‌های لازم زندگی آشنا ساخته و از آموزش محوری به سمت مهارت‌محوری سوق دهد.^(۵)

۵. مدارس مسجدمحور با استفاده از محیط مسجد و به‌کارگیری مربیان دلسوز و مؤمن تلاش دارد آموزش را با تفریح و تجربه و اکتشاف همراه سازد و مربیان را در اداره مدرسه مشارکت دهد تا از قالب‌های ناکارآمد خارج شده و عملاً در تحول نظام آموزشی قدم بردارند.^(۶)

بر اساس آنچه گذشت به نظر می‌رسد بتوان مدرسه مسجدمحور را چنین تعریف نمود: «تلفیقی از مسجد و مدرسه به منظور تعلیم و تعلم مفاد علمی به مربیان و کسب مهارت‌های زندگی از سوی آنان».

مدرسه مسجدمحور، اصطلاحی نوین و تلفیقی از مدرسه سنتی (مکتب‌خانه؛ مسجد) و مدرسه مدرن (اسکول) است که عمدتاً به علت ناکارآمدی مدرسه مدرن، نضج گرفته است. در ده اخیر عواملی مانند «برخی ناکارآمدی‌ها در نظام آموزش تربیت رسمی،^(۷) تغییر علایق والدین، لزوم تعمیق تعلیمات و آموزه‌های دینی مربیان و یا فراگیری مهارت‌های زندگی انسانی و اسلامی» موجب شد، مدارس مسجدمحور مورد توجه خانواده‌ها قرار گیرد. هرچند در اسناد بالادستی مانند سند تحول آموزش و پرورش^(۸) یا برنامه درسی ملی^(۹) به نقش مسجد در تقویت مبانی اعتقادی و لزوم همکاری مدرسه با مسجد تأکید شده اما سخنی از مدرسه مسجدمحور نشده است. مدعا این است که در این نوع از مدارس، آموزش از معلم

محور به مربی محور ترقی پیدا کند و هم‌تراز با آموزش، تربیت متریبان نیز مدنظر عاملین تربیتی قرار گیرد تا متریبان از تربیت جامع و رشد در همه ابعاد برخوردار شوند. علاوه بر مفاد درسی، آموزش برخی مهارت‌ها و فنون مورد نیاز برای زندگی اجتماعی و اقتصادی یکی از مهم‌ترین اهداف آموزش و تربیت در این نوع مدارس است تا متریبی حداقل در یکی از فنون و مشاغل تربیت شده و پس از پایان تحصیلات توانایی کار مولد را داشته باشد و عملاً در اقتصاد خانواده نقش ایفا کند. روند اجتماعی شدن متریبان در خلال فعالیت‌های مسجد با تقسیم کار و پذیرش مسئولیت و مواجهه عملی با شرایط و موقعیت‌های واقعی در زندگی، تسریع می‌شود؛ بنابراین می‌توان اهم اهداف و مدعاهای متولیان مدارس مسجدمحور را در محورهای زیر درج نمود:

۱. تحقق اهداف سند تحول؛ از مهم‌ترین اهداف سند تحول عبارت‌اند از: «الف) تربیت انسانی معتقد به معاد و متعهد؛ ب) اعتلای فرهنگ عمومی و زمینه‌سازی برای تکوین تمدن اسلامی - ایرانی؛ ج) افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی به‌ویژه خانواده؛ که مدارس مسجدمحور تلاش دارد اهداف مزبور را تسهیل و تحقق بخشد.
۲. تحقق تربیت جامع؛ تربیت جامع علاوه بر آموزش رسمی، کسب مهارت‌های زندگی و تعاملات اجتماعی را در برمی‌گیرد. خروجی مدارس رسمی در خوش‌بینانه‌ترین حالت، تک‌بعدی و بر آموزش صرف تمرکز دارد که در نهایت به تربیت شغلی منجر می‌شود اما مسجدمحوری به دنبال تحقق تربیت جامع و پرورش نسلی ارزشی و متعهد است.
۳. تعامل سازنده با نهاد خانواده؛ مسجدمحوری فعالیتی دغدغه‌مند و پویا است و با نهادها و عوامل تربیتی دیگر به‌ویژه نهاد خانواده تعامل سازنده دارد تا فرایند رشد و تربیت صحیح متریبان تسریع شود. هماهنگی فضای حاکم و ارزش‌های دینی در مدارس مسجدمحور با نهاد خانواده، بسیاری از تعارضاتی که برای متریبان در نتیجه ناهماهنگی بین نهادهای تربیتی ممکن است ایجاد شود (دوگانگی ارزشی) را برطرف می‌کند. (مرزوقی، ۱۳۷۹: ۸۳)
۴. جبران ناکارآمدی مدارس مدرن؛ بنا به تحقیقات، مدارس رسمی با محدودیت‌های

مالی، کمبود امکانات، فضای آموزشی محدود، ایام آموزشی محدود و مانند آن مواجه هستند.^(۱۰) به علاوه دغدغه والدین نسبت به تربیت دینی و اخلاقی متریبان در مدارس رسمی متولیان مسجد محوری را بر آن داشته است تا برای رفع دغدغه‌های مزبور و جبران ناکارآمدی مدارس رسمی خود اقدام کنند.

۵. ارائه الگویی از تعلیم و تربیت؛ متولیان اذعان دارند، مسجد محوری تجربه‌ای نوین و تلاشی دغدغه‌مند و سبکی جدید در آموزش و تربیت است که نیاز به مشارکت و مساعدت همه عوامل و نهادهای مؤثر در تربیت دارد.

با عبور از این مقدمات و با توجه به اینکه از ادله رجحان و استحباب حضور در مسجد و تعلیم و تعلم معارف دینی و محتوای هدایتی قابل برداشت است اما آیا می‌توان در عصر حاضر، دلیلی بر لزوم انتقال آموزش از مدرسه رسمی به مدرسه مسجد محور ارائه داد؟

بر اساس آنچه گذشت، از آنجا که یکی از اهداف تأسیس مدارس مسجد محور، جبران ناکارآمدی مدارس رسمی در تربیت همه‌جانبه و متوازن متریبان است- به دلیل کثرت متریبان در سطح کشور و کمبود منابع و امکانات لازم- در کنار انواع مدارس غیردولتی، یکی از مدرسی که می‌تواند نظام آموزشی را یاری رساند و دغدغه والدین به‌ویژه قشر متدین را برطرف سازد، مدارس مسجد محور است. از آنجا که در مدارس مسجد محور علاوه بر انتقال مفاد آموزشی، مهارت‌های زندگی و شغلی نیز به متریبان آموزش داده می‌شود و آنها را با زندگی اجتماعی آتی آماده می‌سازد، انتقال آموزش و تربیت از مدارس رسمی به مدارس مسجد محور نوعی ترجیح و اولویت پیدا می‌کند. همچنین از آنجا که در مدارس مسجد محور بعد روحی و ساحت عبادی و اعتقادی متریبان پرورش بیشتری پیدا می‌کند، چه بسا بتوان بالاتر از رجحان، نوعی وجوب و الزام را نیز برای انتقال مزبور قائل شد. قائل شدن به این حکم به‌ویژه در فضای جامعه و حکومت اسلامی که داعیه تربیت بر مدار حیات طیبه و رشد همه‌جانبه و متوازن متریبان را دارد، خالی از وجه نیست؛ اما التزام به احکام فوق پذیرفتنی نیست؛ زیرا: اولاً: در ایران، متریبان از طیف‌هایی از مذاهب و اقلیت‌های دینی زندگی می‌کنند که

نمی‌توان برای همه از روش و الگوی تربیتی مدرسه مسجدمحور استفاده کرد. ضمن اینکه برخی از خانواده‌ها بنا به هر دلیل به مدارس مسجدمحور اعتقادی نداشته و با آموزش و تربیت در مدارس رسمی توافق و سازگاری بیشتری دارند.

ثانیاً: حتی اگر عموم جامعه هم خواهان انتقال آموزش از مدارس رسمی به مدارس مسجدمحور باشند، برخی مشکلات و معضلات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مدارس مسجدمحور را احاطه کرده است که به برخی اشاره می‌شود:

۱. تمامی مساجد امکانات لازم برای تبدیل شدن به مدرسه را ندارند. حتی بسیاری از مناطق کشور فاقد مسجد هستند و برخی از مناطق که مسجد دارند، فاقد امام جماعت و متولی تربیت هستند.

۲. هویت مدارس مسجدمحور مخدوش است. از مدارس مسجدمحور تعریف دقیق و مشخصی ارائه نشده؛ این مدارس سازمان‌دهی و انسجام لازم را ندارند و از برنامه، اهداف، چشم‌انداز و راهبرد واحد و مشخصی پیروی نمی‌کنند. مدارس مسجدمحور جزیره‌ای عمل نموده و تقریباً هر مدرسه مسجدمحوری اهداف، برنامه‌ریزی و شیوه اجرایی منحصر به خود را دارد.

۳. مفاد و محتوای آموزشی این مدارس، مفادی است که در نظام تعلیم و تعلم رسمی تهیه و تدوین شده است اما در این مدارس، مفاد دینی و مهارتی فوق‌العاده نیز آموزش داده می‌شود که محتوای آن مشخص نیست و از یک نظام ساختارمند برخوردار نیست.

۴. نیروی انسانی ماهر و متخصص و متعهد که فارغ از بحث معیشت، بتواند داوطلبانه در این مدارس فعالیت کند، وجود ندارد. جذب نیروی انسانی پایدار نیازمند توانمندی مالی است که یا باید از محل خیرین یا از سوی خانواده‌ها تأمین شود که این امر در درازمدت، مدارس مسجدمحور را به سوی مدارس غیرانتفاعی سوق می‌دهد.

۵. اصل اقتصاد و منابع مالی مدارس مسجدمحور نامشخص است و متولی خاصی ندارد. خانواده‌ها هم توان لازم برای تأمین تمام آن را ندارند و خیرین هم تا حدودی می‌توانند

کمک نمایند.

۶. از تأسیس اولین مدارس مسجدمحور حداقل دوازده سال می‌گذرد و هیچ آماری از خروجی این مدارس در مقایسه با مدارس رسمی کم‌ و کیفی وجود ندارد. در خوش‌بینانه‌ترین حالت متریبان تا دوره دبستان یا نهایت دوره اول متوسطه در این مدارس دوام می‌آورند و قطعاً با تخصصی شدن متون و مفاد آموزشی در مقاطع بالاتر و کمبود نیروی انسانی لازم، متریبان دوباره به مراکز آموزشی رسمی روی می‌آورند. ضمن اینکه ارائه مدرک رسمی از سوی این مدارس، به دغدغه‌ای برای خانواده‌ها تبدیل شده است.

۷. ادعای آموزش مهارت‌ها و فنون مورد نیاز به‌گونه‌ای که منبعی برای درآمد شود، گرچه ممکن است موردی و در سطح پایین اتفاق افتد اما موجب تخصص همراه با دانش فرد نمی‌شود و نیاز است فرد دوره کارآموزی را در مراکز فنی و حرفه‌ای طی کند و مدرک مورد نیاز آن را کسب نماید.

۸. درحالی‌که بسیاری از مدارس رسمی در تهیه مراکزی چون آزمایشگاه در داخل مدرسه با مشکل کمبود منابع و امکانات مواجه هستند، چگونه متولیان تربیت مسجدمحور شرایط و توان ایجاد آن را در مساجد فراهم می‌کنند؟ درحالی‌که کمبود فضای آموزشی و منابع مالی همواره از دغدغه‌های متولیان مدارس مسجدمحور است و غالباً این مدارس از سوی دولت و آموزش و پرورش حمایت نمی‌شود.

۹. با انتقال مزبور، عملاً نظام آموزشی حکومت اسلامی آن از بین می‌رود درحالی‌که یکی از اهداف تأسیس مدارس مسجدمحور، کمک و یاری نظام آموزش رسمی بود.

بر اساس این اشکالات و محذورات، نمی‌توان به‌عنوان ثانوی از شرع دلیلی بر لزوم انتقال متریبان از مدارس رسمی به مدارس مسجدمحور ارائه کرد. درست همان‌گونه که نمی‌توان برای ثبت‌نام متریبان در مدارس غیرانتفاعی دلیلی اقامه کرد بلکه امری عرفی است و به نظر والدین و توان مالی آنها بستگی دارد. نهایتاً عقل و عرف حکم می‌کند که برای تعمیق مبانی اعتقادی متریبان و نیز کسب مهارت‌های زندگی از سوی آنان، از ظرفیت مدارس مسجدمحور

استفاده شود.

پیشنهاد می‌شود:

۱. مسجد محوری در تربیت، محدود به حضور تعلیم و تربیت در فضای مسجد نشود بلکه از الگوی «مسجد در مدرسه» یا «مسجد در کنار» بهره گرفته شود. سنتی که در گذشته نیز مرسوم بوده و معمولاً به لحاظ فیزیکی مدارس در کنار مساجد ساخته می‌شد. در این صورت مسجد محوری از ظرفیت مدارس نیز بهره خواهد برد.

۲. برای اثربخشی مدارس مسجد محور، علاوه بر استفاده از تعهد و تخصص و امکانات آموزش و پرورش، از پشتوانه فکری و معنوی نهادهایی مانند حوزه علمیه، نهادهای مردمی و خیرین استفاده شود که هماهنگی میان آنها نیاز به برنامه‌ریزی و مدیریت در سطح کلان دارد.

نتیجه

مستفاد از ادله نقلی، استحباب استفاده از فضای مسجد برای تعلیم و تعلم و تشکیل جلسات درس و مباحث علمی در آن است. مفاد تعلیمی، غیر از قرآن سایر محتوای علمی را نیز در برمی‌گیرد؛ این شمول یا به جهت اطلاقات و عمومات لفظی یا با تنقیح مناط است. با این حال مدارس مسجد محور هر چند به‌عنوان یک ایده و الگوی تعلیم و تربیتی قابل احترام است اما به دلیل موانعی چون عدم سازمان‌دهی، برنامه‌ریزی، اهداف، چشم‌انداز و راهبرد واحد و مشخص، برخوردار نبودن از نیروی انسانی ماهر و متخصص، ضعف در تأمین منابع مالی مورد نیاز، ظرفیت آن را ندارند که در سطح کلان جایگزین مدارس در تربیت رسمی شوند. این ایده برای اثبات کارایی خود نیاز به گذر زمان، کسب تجربه و مطالعات میدانی طولی دارد.

پیوست و ضمایم

- (۱). ماده ۴۶ آیین‌نامه اجرایی مدارس، مصوب ۱۳۷۹ شورای عالی آموزش و پرورش.
- (۲). زمانی، کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیت (خبرگزاری مهر، ۱۳۶۹/۶/۹) ش:

(mehrnews.com/xJFW6

- (۳). جوان آراسته، محمدرضا، معاون فرهنگی و تربیتی مدارس علوم معارف اسلامی صدرا. (دفتر تبلیغات اسلامی قم ۱۰/۸/۱۴۰۰/139771400/8/10) (tm.balagh.ir/article/139771400/8/10)
- (۴). جعفری، علی، معاون آموزشی مدرسه مسجد محور شیخ بهایی شهرری، خیرگزاری شبستان (shabestan.ir/detail/News/835295139/7/1)
- (۵). محمدپور، مرتضی، مدیر مجموعه تربیتی آموزشی سحاب، پایگاه خبری صبح توس (sobhtoos.ir/post/354886:1400/2/15)
- (۶). جزوه آشنایی با مدرسه مسجد محور طه علیه السلام کرمان. http://madreseyetaha.blogfa.com/post/1
- (۷). ر.ک: شورای عالی آموزش و پرورش http://www.sce.ir
- (۸). سند تحول آموزش و پرورش، شماره ۷ (راه کارها بند ۷-۲)، مدرسه در چشم انداز ۱۴۰۴، بند ۲ راه کار ۲-۸.
- (۹). برنامه درسی ملی، شماره ۵-۱: مبانی دین شناختی بند ۱۳-۵-۱.
- (۱۰). شورای عالی آموزش و پرورش http://www.sce.ir

قرآن کریم

امام علی بن موسی علیه السلام، *صحیفه الإمام الرضا علیه السلام*، مشهد، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، [بی تا].
ابراهیم حسن، حسن، *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، نشر بدرقه جاویدان، [بی تا].

ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، *عوالی اللثالی*، قم، دار سید الشهداء، [بی تا].
ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد [بی تا]، *النهاییه*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، [بی تا].
ابن هشام، عبدالملک [بی تا]، *السیره النبویه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین، [بی تا].
ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *الامالی*، تهران، انتشارات کتابچی، [بی تا].
اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمّه*، تبریز، نشر بنی هاشمی، [بی تا].
اسمیت، ویلفرد کنت ول، *اسلام در جهان امروز*، ترجمه حسنعلی مهروی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، [بی تا].

اعرافی، علیرضا، *فقه تربیتی ۱ (مبانی و پیش فرض ها)*، تحقیق و نگارش سید نقی موسوی، قم، مؤسسه فرهنگی و هنری اشراق، [بی تا].

الهامی، داود، *تاریخچه نظام آموزش اسلامی*، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، [بی تا].
برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، قم، دار الکتب الإسلامیه، [بی تا].
بلاذری، احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، قاهره، شرکت طبع الکتب العربیه، [بی تا].
بی آزار شیرازی، عبدالکریم، *مسجد قلب جامعه اسلامی*، فرهنگ کوثر، شماره ۱۶.
بیضاوی، عبدالله بن عمر، *انوار التنزیل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
حجتی، محمدباقر، *اسلام و تعلیم و تربیت*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، [بی تا].
حلی، علی بن یوسف بن مطهر، *العدد القویه*، قم، انتشارات کتابخانه آیه مرعشی نجفی، [بی تا].

حموی، یاقوت بن عبدالله، *معجم الأدباء*، بیروت، دار الغرب الإسلامی، [بی تا].

- دولت آبادی، یحیی، *حیات یحیی*، تهران، نشر فردوسی، [بی تا].
- دیلمی، حسن بن محمد، *إرشاد القلوب إلى الصواب*، قم، نشر الشریف الرضی، [بی تا].
- رشیدی، فخرالدین، *زندگینامه پیرمعارف رشیدی*، تهران، انتشارات هیرمند، [بی تا].
- رشیدالدین میبدی، احمد بن ابی سعد، *کشف الاسرار*، تهران، انتشارات امیرکبیر، [بی تا].
- زمخشری، محمود، *الکشاف*، بیروت، دار الکتب العربی، [بی تا].
- سلطانزاده، حسین، *تاریخ مدارس ایران*، تهران، نشر نگاه، [بی تا].
- سهیلی جمال الدین و دیگران، تحلیل روابط اجتماعی-انسانی در مسجد-مدرسه های دوره قاجار قزوین، *پژوهش های جغرافیای انسانی*، دوره ۴۸، شماره ۳.
- سیوطی، جلال الدین، *حسن المناظره فی تاریخ مصر و القاهره*، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه، [بی تا].
- شلبی، احمد، *تاریخ آموزش در اسلام*، ترجمه محمد حسین ساکت، تهران، نشر نگاه معاصر، [بی تا].
- شهری جعفر، تاریخ اجتماعی ایران، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، [بی تا].
- طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، [بی تا].
- طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الأخلاق*، قم، نشر شریف رضی، [بی تا].
- الطنجی، محمد بن عبدالله اللواتی، *تحفة النظار* (رحله ابن بطوطه)، بیروت، دار احیاء العلوم، [بی تا].
- طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن، *تهذیب الأحکام*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، [بی تا].
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، *منیة المرید*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، [بی تا].
- عاملی (شیخ حر عاملی)، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، [بی تا].
- عین السلطنه، قهرمان میرزا، *خاطرات عین السلطنه*، تهران، انتشارات اساطیر، [بی تا].
- غزالی، محمد بن محمد، *احیاء علوم الدین*، بیروت، دار ابن حزم، [بی تا].
- غنیمه، عبدالرحیم، *دانشگاه های بزرگ اسلامی*، ترجمه نورالله کسای، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، [بی تا].

- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق
قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، قم، دار الکتب، [بی تا].
کراجکی، محمد بن علی، *کنز الفوائد*، قم، دار الذخائر، [بی تا].
کاتب یزدی، احمد بن حسین، *تاریخ جدید یزد*، ایرج، تهران، انتشارات امیرکبیر، [بی تا].
کشّی، محمد بن عمر، *رجال الکشی*، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، [بی تا].
کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامية، [بی تا].
متقی هندی، *کنز العمال*، بیروت مؤسسه الرسالة، [بی تا].
مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
محبوبی اردکانی، حسین، *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، [بی تا].
- مرزوقی، رحمت الله و دیگران، *الگوی مفهومی تعامل مدرسه، خانواده و مسجد، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج*، سال ۲۱، شماره ۷۹.
- مقریزی، تقی الدین احمد، *المواعظ*، بیروت، مکتبه الاحیاء العلوم، [بی تا].
نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، [بی تا].
نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
نعمانی، احمد بن ابراهیم، *الغیبه*، تهران، نشر صدوق، [بی تا].
نوری، حسین بن محمدتقی، *مستدرک الوسائل*، بیروت، مؤسسه آل البيت؟ عهم، [بی تا].
ویلبر، دونالد، *معماری تیموری در ایران و توران*، ترجمه کرامت الله افسر. تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، [بی تا].